

مضارع مؤنث

نون ثقیله ← مسدود و متحرک - تالییدی تر - اتصال به تمام صیغرها - در تنبیهها و جمعها موند
 مکتور است و در تقیید صیغرها مفتوح .
 نون خفیفه ← ساکن - اتصال به هست صیغه (در آخر تنبیهها و جمعها موند نماند)

حروف تالیید

اثر معنوی نون تالیید ← تالیید معنی در مضارع معلوم و مجهول

اثر لفظی نون تالیید :

۱) حرف بیس از نون تالیید (لام الفعل) ص ۱-۴-۷-۱۳-۱۴ مفتوح می شود . یکشبن
 * لام الفعل ناقص الف به یاد بریزد . یکشبی ← یکشبن
 ۲) نون عوض زخمی می افتد . یضربان ← یضربان

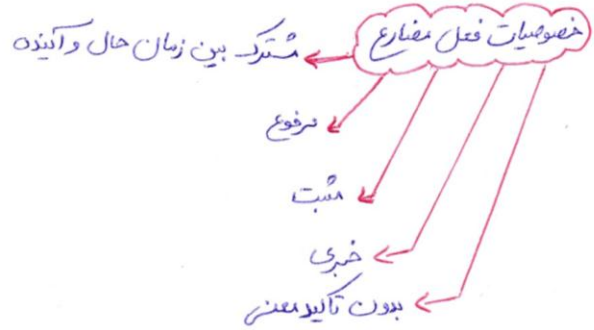
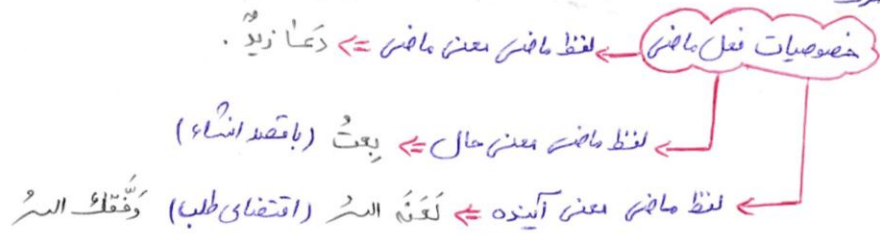
ضمیر (و) در ص ۹ و ۲ و ضمیر (ی) در ص ۱۰ می افتد . یذهبون ← یذهبون تنهین ← تنهین
 اثر قبل ضمیر مفتوح باسد ضمیر ثابت می ماند و به حرکت مناسب متحرک می شود . یرضون ← یرضون
 در جمع موند بین نون تالیید و نون ضمیر ، الف فاصله می شود . یمددان ← یمددان

اثر لفظی نون تالیید بر فعل امر :

۱- عین الفعل ص ۱ ۴ ۷ ۱۳ ۱۴ اجوف
 ۲- لام الفعل ص ۱ ۴ ۷ ۱۳ ۱۴ ناقص
 قل ← قولت
 ادع ← ادعوت
 بریزد

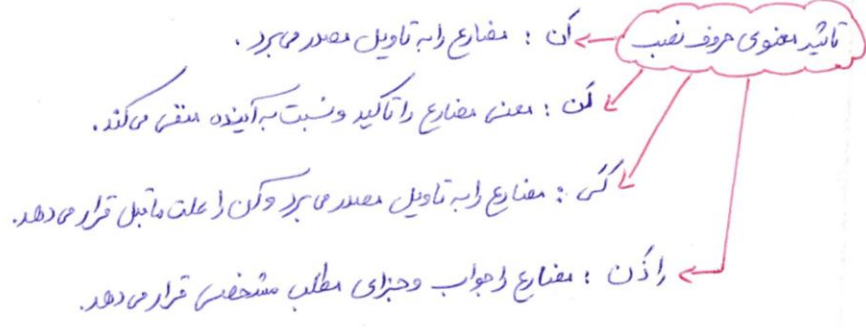
در ص ۱ ۴ ۷ ۱۳ ۱۴ مضاعف ← یک وجه جایز است . ادد ← مدن

ل :
 تون
 بدون
 ل :
 تخرض
 امر
 یغیرون
 تهوتون
 فی
 فی



انواع جمله از حیث احتمال صدق و کذب :

- ۱) انشایی ← طلبی : امر - نهی - استغاثه - تمنی - نداء
- غیر طلبی : مدح و ذم - تعجب - قسم - ترجیح - صغیر یا عتود
- ۲) خبری : معنای آن ممکن است راست یا دروغ باشد.



صرف - مبحث دوم = ثلاثه مزید

قواعد خصوصاً مصدر ثلاثه مزید :

ق ۱: } و-ی در آخر کلمه
بعد از الف زائد } ← (و-ی) تبدیل به همزه
ایستای ← ایستاء / ارتضای ← ارتضاء
(رثوی) (رثوی)

ق ۲: } (ی) لام الفعل
(ی) ما قبل (ی) مضموم } ← ضمّه تبدیل به کسره
توتی ← توتی / تراشی ← تراشی

ق ۳: } (و) عین الفعل
در مصدر اجوف وای
بعد از کسره و قبل از الف } ← بدو شرط اعلال
در ماضی
اعتواد ← اعتیاد / ارتضاد ← ارتضاد

خصوصیات باب افعال

همزه این باب همزه قطع است: أَفْعَلٌ مَاضِيٌ يُؤْفَعِلُ يَفْعِلُ اِفْعَالٌ مَصْرُوعٌ

افعال همزه قطع: ص ۱۳ - جمع کلمه - هینف تعجیب - ص ۲۶ - تفضیل - جزء حروف اصلی
أضربُ أفعال ما أفعله أحمز أکبر أمز

در مصدر اجوف باب افعال حذف عین ← جایگزینی ه: عوذ - سوء - قوم - ضواء - جود - عود - رور

همزه ملاده (رای) پس از نقل حرکت به ما قبل حذف می شود: أَرَأَى ← أَرَى / يُرِئِي ← يُرِي
ارءای حذف ثلاثه / ارءاة | ارأى حذف / ارئى / يرئى حذف ← يرئى

ماضی معلوم و مضارع (معلوم و مجهول) ← فقط اعلال
یس ← أَعْيَا / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ

همزه مجهول ← هینف اول هم اعلال هم افعال
عیس ← أَعْيَا / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ

عیس ← أَعْيَا / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ / يُعْيِرُ ← يُعْيِرُ
أعیوا ← أعیوا / أعیوا ← أعیوا